Journal of Environmental and Natural Resource Economics
Vol. 6, No.15, Spring 2026; PP 115-133
eenr.atu.ac.ir
DOI: 10.22054/eenr.2026.92269.228

Original Research
Accept: 10 June 2026
Revise: 06 June 2026
Receive: 18 April 2026
ISSN: 2538-4791
eISSN: 2538-483X

A Review of the Role of Green Accounting in Sustainable Development

Fatemeh Ansari Department of Accounting, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

Ali Laalbar * Department of Accounting, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

Extended Abstract

Introduction

Contemporary corporate governance increasingly demands the integration of environmental stewardship into organizational frameworks to address escalating ecological challenges. Green accounting has emerged as a vital paradigm within the accounting discipline, designed to identify, quantify, and report the environmental externalities of business operations. Despite its growing prominence, the precise mechanisms through which green accounting drives sustainable performance and long-term value creation warrant deeper scholarly synthesis.

Objective

This study aims to critically examine the strategic role of green accounting in advancing corporate sustainability and facilitating ecologically aligned decision-making.

Research Method

Employing a rigorous analytical review approach, this study synthesizes extensive scholarly literature, peer-reviewed articles, and authoritative institutional reports to evaluate the theoretical foundations and practical implications of green accounting frameworks.

* Corresponding Author: alilalbar@iau.ac.ir
How to Cite: LalBar, A. & Ansari, F. (2026). A Review of the Role of Green Accounting in Sustainable Development. *Journal of Environmental and Natural Resource Economics*, 6(15), pp. 115-133. DOI: 10.22054/eenr.2026.92269.228

Results and Discussion

The findings indicate that green accounting serves as an indispensable catalyst for sustainable development by systematically capturing and managing environmental costs. By enhancing the transparency and reliability of non-financial disclosures, the framework strengthens corporate accountability and fulfills broader stakeholder expectations regarding social responsibility. Furthermore, it equips organizational decision-makers with advanced analytical tools to evaluate long-term environmental externalities, mitigate ecological risks, and optimize resource efficiency.

Conclusion

The study concludes that green accounting transcends conventional reporting mechanisms; it operates as a core strategic framework for embedding environmental considerations into corporate strategy. Consequently, organizations that adopt robust green accounting practices are better positioned to reconcile economic viability with ecological preservation, thereby securing sustainable competitive advantage and long-term stakeholder value.

Keywords: Green Accounting, Sustainable Development, Social Responsibility, Environmental Reporting, Environmental Costs.

JEL Classification: M41, M14, Q56

مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۲۹
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۳/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰
ISSN:۴۷۹۱-۲۵۳۸
eISSN: ۴۸۳-۲۵۳۸X

فصلنامه اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی
سال ششم، شماره ۱۵، بهار ۱۴۰۵، صفحات ۱۱۵-۱۳۳
eenr.atu.ac.ir
DOI: 10.22054/eenr.2026.92269.228

مروری بر نقش حسابداری سبز در توسعهٔ پایدار

فاطمه انصاری گروه حسابداری، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

علی لعل بار * گروه حسابداری، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

چکیده

در دهه‌های اخیر، مسائل زیست‌محیطی و توسعه پایدار به یکی از چالش‌های کلیدی جوامع بشری تبدیل‌شده و توجه گسترده‌ای را به خود جلب کرده است. حسابداری سبز به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین در حوزه حسابداری، به طور ویژه بر شناسایی، اندازه‌گیری و گزارش‌دهی اثرات زیست‌محیطی فعالیت‌های سازمان‌ها تمرکز دارد. این رویکرد نقش حیاتی در حمایت از اهداف توسعه پایدار ایفا کرده و به ارتقای عملکرد زیست‌محیطی و اجتماعی سازمان‌ها کمک می‌کند. در این مقاله، نقش و اهمیت حسابداری سبز در توسعه پایدار مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق از نوع مروری تحلیلی بوده و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و مقالات معتبر علمی انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حسابداری سبز از طریق شناسایی و مدیریت هزینه‌های زیست‌محیطی، ارائه گزارش‌های شفاف و جامع از عملکرد زیست‌محیطی و تسهیل در اتخاذ تصمیمات مدیریتی همسو با محیط‌زیست، نقشی کلیدی در تحقق توسعه پایدار ایفا می‌کند. علاوه‌برآن، پیاده‌سازی حسابداری سبز می‌تواند منجر به افزایش شفافیت، پاسخگویی سازمانی و ارتقای مسئولیت اجتماعی شود. این رویکرد همچنین ابزارهای لازم برای تحلیل اثرات زیست‌محیطی بلندمدت و ایجاد ارزش برای ذی‌نفعان مختلف سازمانی فراهم می‌آورد. درنتیجه، حسابداری سبز می‌تواند به‌عنوان ابزاری راهبردی در حمایت از پایداری زیست‌محیطی و اجتماعی در سازمان‌ها به کار گرفته شود.

کلیدواژه‌ها: حسابداری سبز، توسعه پایدار، مسئولیت اجتماعی، گزارشگری زیست‌محیطی، هزینه‌های زیست‌محیطی.

طبقه‌بندی JEL: M41, M14, Q56

* نویسنده مسئول: alilalbar@iau.ac.ir

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، رشد صنعتی و توسعه اقتصادی، در کنار آثار مثبت خود، پیامدهای زیست‌محیطی گسترده‌ای نیز به همراه داشته است. آلودگی هوا، گرمایش جهانی، فرسایش خاک، نابودی جنگل‌ها و کاهش تنوع زیستی از مهم‌ترین چالش‌هایی هستند که ضرورت توجه به محیط‌زیست را در نظام‌های اقتصادی و حسابداری افزایش داده‌اند. در چنین شرایطی، حسابداری سبز به‌عنوان رویکردی نوین مطرح‌شده است که می‌کوشد آثار زیست‌محیطی فعالیت‌های اقتصادی را شناسایی، اندازه‌گیری و گزارش کند. باوجود اهمیت روزافزون مسائل محیط زیستی، نظام حسابداری سنتی هنوز در شناسایی و گزارشگری کامل هزینه‌ها و تعهدات زیست‌محیطی با محدودیت مواجه است. یکی از چالش‌های اصلی، دشواری اندازه‌گیری دقیق مخارج مرتبط با آلودگی و سایر آثار مخرب زیست‌محیطی و همچنین تفاوت در رویه‌های گزارشگری میان صنایع مختلف است. افزون بر این، در بسیاری از موارد مشخص نیست که این مخارج باید به‌عنوان هزینه دوره شناسایی شوند یا در قالب دارایی و سرمایه‌گذاری بلندمدت تلقی گردند. همین ابهام‌ها ضرورت توسعه حسابداری سبز را برجسته می‌سازد. حسابداری محیط‌زیست صرفاً به ثبت آثار آلودگی محدود نیست، بلکه طیف وسیع‌تری از پیامدهای ناشی از فعالیت‌های اقتصادی، ازجمله تخریب منابع طبیعی، فرسایش و سایر آسیب‌های زیست‌محیطی را نیز در برمی‌گیرد. از این منظر، این نوع حسابداری را می‌توان بخشی از حسابداری مسئولیت اجتماعی دانست؛ زیرا هدف آن شناسایی، اندازه‌گیری و گزارشگری اثرات متقابل واحد تجاری و محیط‌زیست است. همچنین، محیط‌زیست باید به‌عنوان یکی از عوامل اصلی تولید در نظر گرفته شود و هزینه‌های مرتبط با آن، اعم از مستقیم و غیرمستقیم، در نظام گزارشگری مالی موردتوجه قرار گیرد (عباسعلی میردار و همکاران، ۱۴۰۴).

آمار و شواهد نشان می‌دهند که وضعیت زیست‌محیطی جهان در شرایط نگران‌کننده‌ای قرار دارد. طبق گزارش سازمان ملل متحد[1] (۲۰۲۳)، انتشار گازهای

1 United Nations

گلخانه‌ای در سال ۲۰۲۲ به بالاترین سطح خود یعنی ۵۸/۱ گیگا تن رسیده و بر اساس مطالعات بانک جهانی (۲۰۲۲)، هزینه‌های ناشی از آلودگی محیط‌زیست سالانه حدود ۴/۸ تریلیون دلار به اقتصاد جهانی خسارت وارد می‌کند. این آمار نشان‌دهنده اهمیت روزافزون توجه به مسائل زیست‌محیطی در فعالیت‌های اقتصادی است. علاوه‌برآن، تحقیقات نشان می‌دهد که تنها ۲۹٪ از شرکت‌های بزرگ جهانی گزارش‌های زیست‌محیطی جامع ارائه می‌دهند که این امر نشان‌دهنده شکاف قابل‌توجه در حوزه گزارشگری زیست‌محیطی است.

راتمونو و همکاران[1] (۲۰۲۴) در پژوهش خود نشان دادند که حسابداری سبز از طریق بهبود عملکرد زیست‌محیطی، به تقویت مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها کمک می‌کند و به‌عنوان ابزاری برای گزارشگری شفاف عمل می‌کند. سولوویدا و لاتان[2] (۲۰۱۷) نشان دادند که حسابداری مدیریت زیست‌محیطی (EMA) نقش کلیدی در ارتباط راهبردهای زیست‌محیطی و بهبود عملکرد زیست‌محیطی دارد و به سازمان‌ها در تصمیم‌گیری‌های کارآمد کمک می‌کند.

باوجود اهمیت حسابداری زیست‌محیطی در ارتقای پایداری، شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که اجرای آن در شرکت‌های کوچک و متوسط با موانعی نظیر هزینه‌های بالا، کمبود منابع مالی و دشواری‌های اجرایی روبه‌روست. در چنین شرایطی، الزامات قانونی و فشارهای نهادی می‌توانند انگیزه‌ای برای پذیرش این رویکرد ایجاد کنند، اما این اثر در همه کشورها و صنایع یکسان نیست. درواقع، حسابداری سبز می‌تواند به‌عنوان پلی میان اهداف اقتصادی و زیست‌محیطی عمل کند و به سازمان‌ها در دستیابی به توسعه پایدار کمک نماید. این مقاله باهدف واکاوی این موضوع و ارائه چارچوبی جامع برای درک بهتر رابطه بین حسابداری سبز و توسعه پایدار تدوین شده است. باتوجه‌به اهمیت روزافزون مسائل زیست‌محیطی و نقش کلیدی سازمان‌ها در کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی، این پژوهش می‌تواند راهگشای مدیران و سیاست‌گذاران در پیاده‌سازی مؤثر حسابداری سبز و

1 Ratmono
2 Solovida & Latan

حرکت به سمت توسعه پایدار باشد.

۱. پیشینه تحقیق

در این بخش، ضمن تبیین مبانی نظری حسابداری سبز و جایگاه آن در چارچوب توسعه پایدار، پیشینه پژوهش‌های مرتبط نیز بررسی و تحلیل می‌شود.

الف) تعاریف و مفاهیم حسابداری سبز در توسعه پایدار

حسابداری سبز به‌عنوان یک رویکرد نوین در حسابداری و مدیریت منابع زیست‌محیطی به‌تدریج در دهه‌های اخیر شکل گرفت و توسعه یافت. این مفهوم به دنبال پاسخ به چالش‌های زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های اقتصادی است و تأثیرات این فعالیت‌ها بر محیط‌زیست، جامعه و اقتصاد را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این راستا، اسچالتگر[1] و بوریّت (۲۰۱۰) در کتاب خود تحت عنوان حسابداری مدیریت زیست‌محیطی، اصول و عمل حسابداری سبز را به‌عنوان ابزاری برای شناسایی، اندازه‌گیری و گزارش‌دهی تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی فعالیت‌های اقتصادی تعریف کرده‌اند. آن‌ها تأکید دارند که این رویکرد به سازمان‌ها کمک می‌کند تا تصمیمات آگاهانه‌تری در راستای توسعه پایدار اتخاذ کنند. همچنین، بنت و جیمز[2] (۱۹۹۹) در مقاله‌ای با عنوان حسابداری زیست‌محیطی یک مرور حسابداری زیست‌محیطی را به‌عنوان فرایند تجزیه‌وتحلیل هزینه‌ها و منافع مرتبط با تأثیرات زیست‌محیطی فعالیت‌های اقتصادی معرفی کرده‌اند. در اینجا، تأکید بر شفافیت و پاسخگویی در خصوص تأثیرات زیست‌محیطی به‌وضوح مشهود است. رجبی‌پور میبدی و همکاران (۱۴۰۴) در مقاله پژوهشی تحت عنوان تأثیر مالی سبز و مسئولیت اجتماعی شرکت بر عملکرد زیست‌محیطی با میانجی‌گری نوآوری سبز نشان داد عملکرد محیطی به‌عنوان یک حوزه پژوهشی مهم و نوظهور، به‌سرعت درحال‌توسعه است. عملکرد زیست‌محیطی به چگونگی ارتباط سبک توسعه اقتصادی یک کشور با نهادها، سیاست‌ها و

1 Schaltegger & Burritt
2 Bent &James

ایجاد اثرات زیست‌محیطی آن اشاره دارد و درنتیجه در آزمون فرضیه اول پژوهش نشان داد که مالی سبز بر عملکرد زیست‌محیطی شرکت تأثیر معنادار دارد. نتایج حاکی از آن است که مالی سبز به معنای سرمایه‌گذاری در طرح‌هایی است که به حفظ و بهبود محیط‌زیست کمک می‌کند. همچنین نتایج نشان داد که مسئولیت اجتماعی شرکت بر عملکرد زیست‌محیطی شرکت تأثیر معنادار دارد. شرکت‌های کوچک و متوسط که مسئولیت اجتماعی خود را جدی می‌گیرند و در انجام فعالیت‌های اجتماعی مشارکت می‌کنند، عملکرد محیطی بهتری دارند. حسینی و لعل بار (۱۴۰۴) در مقاله‌ای به بررسی نقش دوگانه هوش مصنوعی در سبزشویی شرکتی (مرور ادبیات و مسیرهای پژوهشی آینده) پرداختند. نتایج نشان داد هوش مصنوعی در حوزه پایداری زیست‌محیطی نه‌تنها یک عامل تعیین‌کننده مستقل، بلکه یک شتاب‌دهنده نهایی است که مسیر تأثیرگذاری آن به‌شدت به کیفیت حکمرانی شرکتی، شدت نظارت و سازوکارهای پاسخگویی وابسته است. ازسوی‌دیگر، الکینگتون[1] (۱۹۹۷) در کتاب خود با عنوان استخوان‌خوردن با چنگال‌ها خط‌مشی سه‌گانه قرن بیست ویکم مفهوم خط‌مشی سه‌گانه را مطرح کرده و به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی اشاره کرده است. او تأکید می‌کند که سازمان‌ها باید در تصمیم‌گیری‌های خود به این سه بعد توجه داشته باشند. در همین راستا، تحلیل چرخه عمر به‌عنوان یک ابزار کلیدی در حسابداری سبز معرفی می‌شود. استاندارد ایزو ۱۴۰۴۰ که توسط سازمان بین‌المللی استانداردسازی توسعه‌یافته، این تحلیل را به‌عنوان روشی برای ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی یک محصول از مرحله استخراج مواد اولیه تا دورریز آن معرفی کرده است. این رویکرد به سازمان‌ها کمک می‌کند تا نقاط قوت و ضعف فرایندهای تولید خود را شناسایی کنند.

نهایتاً، ابتکار گزارشگری جهانی[2] که در سال ۱۹۹۷ تأسیس شد، به دنبال ایجاد چارچوبی برای گزارشگری پایدار است. این ابتکار به سازمان‌ها کمک می‌کند تا عملکرد خود را در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی به طور شفاف گزارش کنند. این

1 Elkington
2 Global reporting

روند نه‌تنها به شفاف‌سازی عملکرد سازمان‌ها کمک می‌کند، بلکه به ذی‌نفعان این امکان را می‌دهد که بر اساس اطلاعات دقیق‌تری تصمیم‌گیری کنند. به‌این‌ترتیب، حسابداری سبز به‌عنوان یک ابزار مهم در دستیابی به اهداف توسعه پایدار شناخته می‌شود و به طور مداوم در حال تحول و گسترش است.

ب) حوزه‌های عملکردی حسابداری سبز در توسعه پایدار

حسابداری زیست‌محیطی فرایند شناسایی، تحلیل و استفاده از اطلاعات مالی و غیرمالی مرتبط با عملکرد زیست‌محیطی به‌منظور بهبود تصمیم‌گیری مدیریتی و ارتقای پایداری سازمان است (اسچالتگر[1]، ۲۰۱۰).

ج) شفافیت در گزارش‌دهی مالی

شفافیت در گزارش‌دهی مالی یکی از اصول بنیادین حسابداری سبز است که به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد تا به طور دقیق و شفاف اطلاعات مربوط به تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی فعالیت‌های خود را ارائه دهند. در دنیای امروز، جایی که بحران‌های زیست‌محیطی و فشارهای اجتماعی روزافزون است، سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان بیش‌ازپیش به دنبال اطلاعاتی هستند که نشان‌دهنده تأثیرات مثبت یا منفی فعالیت‌های اقتصادی بر محیط‌زیست باشد. شفافیت در گزارش‌دهی به معنای ارائه اطلاعات معتبر و مقایسه‌پذیر است که شامل جزئیاتی از مصرف انرژی، انتشار گازهای گلخانه‌ای، مدیریت پسماندها و تأثیرات اجتماعی شرکت‌ها بر جوامع محلی است. این نوع گزارش‌دهی نه‌تنها به کاهش ریسک‌های قانونی و مالی کمک می‌کند؛ بلکه اعتماد عمومی و اعتبار برند را نیز افزایش می‌دهد. شرکت‌ها می‌توانند از نرم‌افزارهای حسابداری و سامانه‌های اطلاعاتی پیشرفته برای جمع‌آوری، تجزیه‌وتحلیل و گزارش‌دهی اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی استفاده کنند و گزارش‌های سالانه‌ای تهیه کنند که شامل اطلاعات مربوط به تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی باشد. درنهایت، افزایش شفافیت در گزارش‌دهی مالی می‌تواند به بهبود تصویر

1 Schaltegger

برند و ایجاد روابط مثبت با ذی‌نفعان منجر شود (لمبرتون[1]،۲۰۱۸).

د) مدیریت منابع طبیعی

مدیریت مؤثر منابع طبیعی یکی از جنبه‌های کلیدی حسابداری سبز است که به شرکت‌ها کمک می‌کند تا با بهینه‌سازی استفاده از منابع، تأثیرات منفی فعالیت‌های خود بر محیط‌زیست را کاهش دهند. باتوجه‌به بحران‌های زیست‌محیطی و افزایش تقاضا برای منابع طبیعی، اهمیت این حوزه بیش‌ازپیش مشخص‌شده است. مدیریت منابع طبیعی به معنای شناسایی، ارزیابی و بهینه‌سازی استفاده از منابع طبیعی مانند آب، خاک و انرژی است. در بسیاری از صنایع، ازجمله کشاورزی و تولید، استفاده نادرست یا بیش از حد از منابع می‌تواند منجر به مشکلات جدی زیست‌محیطی شود. حسابداری سبز به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد که مصرف منابع خود را به طور دقیق اندازه‌گیری کنند و از این طریق بتوانند راهکارهایی برای کاهش هدررفت و بهبود بهره‌وری ارائه دهند. شرکت‌ها می‌توانند با استفاده از فن‌های حسابداری سبز، به شناسایی منابعی که ممکن است به طور نامناسب یا بیش از حد استفاده شوند، بپردازند. به‌عنوان‌مثال، در صنعت کشاورزی، شرکت‌ها می‌توانند با پیاده‌سازی سامانه‌های نوین آبیاری و کشت، به بهینه‌سازی مصرف آب و کاهش هزینه‌ها کمک کنند. درنهایت، مدیریت منابع طبیعی نه‌تنها به کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی کمک می‌کند، بلکه به بهبود اعتبار و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نیز می‌افزاید (جاش[2]،۲۰۱۳).

هـ) نظریه ذی‌نفعان در حسابداری سبز

بر اساس نظریه ذی‌نفعان، سازمان برای تداوم فعالیت و دستیابی به اهداف خود باید انتظارات گروه‌های مختلف ذی‌نفع (مانند سهام‌داران، کارکنان، مشتریان، دولت، جامعه محلی و گروه‌های مدنی) را شناسایی و مدیریت کند. از این منظر، افشا و گزارشگری اطلاعات زیست‌محیطی می‌تواند به‌عنوان یکی از سازوکارهای پاسخ‌گویی به ذی‌نفعان و

1 Lamberton
2 Jasch

مدیریت روابط با آنان تلقی شود؛ زیرا این اطلاعات نشان می‌دهد سازمان چگونه پیامدهای زیست‌محیطی فعالیت‌های خود را کنترل و بهبود می‌دهد و درنتیجه می‌تواند به تقویت اعتماد و مشروعیت اجتماعی سازمان کمک کند (فریمن[1]،۱۹۸۴).

بر پایه نظریه ذی‌نفعان، فشارهای وارده از سوی گروه‌های مختلف ذی‌نفع (نظیر نهادهای نظارتی، مشتریان و جامعه) یکی از محرک‌های اصلی شرکت‌ها برای اتخاذ راهبردهای زیست‌محیطی فعالانه است. این فشارها سازمان‌ها را به سمت شفافیت بیشتر، افشای اطلاعات پایداری و بهبود عملکرد زیست‌محیطی سوق می‌دهد (دارنال[2] و همکاران، ۲۰۱۰).

بر پایه دیدگاه‌های نوین پایداری، رشد اقتصادی دیگر تنها محرک فعالیت‌های شرکتی محسوب نمی‌شود و جنبه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی نیز نقش حیاتی در بقای بلندمدت سازمان‌ها ایفا می‌کنند (الکینگتون[3]، ۱۹۹۷). تحقق توسعه پایدار مستلزم مشارکت و تعامل فعال با تمامی گروه‌های ذی‌نفع است (فریمن و همکاران، ۲۰۱۰). درحالی‌که گزارش‌دهی پایداری در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته به یک استاندارد رایج تبدیل‌شده، این روند در اقتصادهای درحال‌توسعه، ازجمله کشورهای آفریقایی، در سال‌های اخیر توجه فزاینده‌ای را به خود جلب کرده است (دی ویلیرز و الکساندر[4]، ۲۰۱۴). همچنین، شواهد پژوهشی نشان می‌دهند که به‌کارگیری شیوه‌های حسابداری سبز با بهبود عملکرد محیط‌زیستی و ایجاد ارزش بلندمدت برای سازمان در ارتباط است (شالتگر و واگنر[5]، ۲۰۰۶). درنهایت، مطابق با نظریه ذی‌نفعان، فشارهای خارجی از سوی گروه‌های مختلف ذی‌نفع به‌عنوان محرکی کلیدی برای بهبود شفافیت و پایداری زیست‌محیطی عمل می‌کند (دارنال و همکاران، ۲۰۱۰).

---

1 Freeman
2 Darnall
3 Elkington
4 De Villiers
5 Schaltegger

و) نظریه فشار نهادی

در این راستا، برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که پذیرش فناوری‌های نوین در فرایندهای حسابداری نیز تحت‌تأثیر فشارهای نهادی و تلاش سازمان‌ها برای کسب مشروعیت صورت می‌گیرد (آگیکوم و سینگ[1]، ۲۰۲۴).

نظریه نهادی بیان می‌کند که فشارهای نهادی به‌ویژه فشارهای قهری ناشی از قوانین و مقررات می‌تواند موجب هم‌شکلی سازمان‌ها و شکل‌گیری الگوهای مشترک در رویه‌های گزارش‌دهی و افشا، ازجمله افشای اطلاعات زیست‌محیطی شود (دی‌ماجیو و پاول[2]، ۱۹۸۳). از این منظر، سازمان‌ها با انطباق با قواعد و استانداردهای پذیرفته‌شده، در پی کسب و حفظ مشروعیت هستند (مایر و روآن[3]، ۱۹۷۷). در حوزه گزارشگری اجتماعی و زیست‌محیطی نیز استدلال می‌شود که افشا می‌تواند کارکرد مشروعیت‌بخشی داشته باشد و در پاسخ به انتظارات بیرونی و فشارهای عمومی/نهادی تقویت شود (دیگن[4]، ۲۰۰۲).

باتوجه‌به اهمیت روزافزون پایداری و مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی، این پژوهش رابطه میان رعایت الزامات زیست‌محیطی و ابعاد پایداری را مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که فشارهای قهری ناشی از مقررات و الزامات قانونی، تأثیر مثبتی بر استقرار حسابداری مدیریت زیست‌محیطی دارند (نگوین[5]،۲۰۲۲). همچنین، در ادبیات حسابداری پایداری تأکید شده است که این حوزه باید ارتباط میان تصمیمات سازمانی و پیامدهای زیست‌محیطی را آشکار سازد و به درک بهتر نقش سازمان در حفظ سلامت اکوسیستم کمک کند (گری[6]، ۲۰۱۰). علاوه‌برآن، پژوهش‌هایی در کشورهای درحال‌توسعه، ازجمله نیجریه، نشان داده‌اند که حسابداری و گزارشگری هزینه‌های زیست‌محیطی می‌تواند بر عملکرد شرکت‌ها و توجه آن‌ها به ابعاد پایداری

1 Agyekum & Singh
2 DiMaggio& Powell
3 Meyer & Rowan
4 Deegan
5 Nguyen
6 Gray

اثرگذار باشد (اوکافور[1]،۲۰۱۸).

ببینگتون[2] و همکاران (۲۰۱۴) بهبود پایدار در عملکرد سازمان‌ها و جوامع، نیازمند یک ارزیابی اجتماعی دقیق از اهداف بلندمدت است که این ارزیابی باید بر اساس دستورالعمل‌ها، مقررات و استانداردهای مدون انجام پذیرد. مقابله با گرمایش جهانی نیازمند رویکردهایی جامع است که علاوه بر کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، بر بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی و حفظ تعادل زیست‌محیطی نیز تأکید دارد. مطالعات نشان داده‌اند که مدیریت صحیح دارایی‌های طبیعی می‌تواند به کاهش هزینه‌های اقتصادی بلندمدت مرتبط با تغییرات اقلیمی کمک کند (نیکلاس استرن[3] ۲۰۰۷، هیئت بین‌دولتی تغییر اقلیم[4] ۲۰۲۱)؛ بنابراین، حفاظت از اکوسیستم‌ها و استفاده مسئولانه از منابع، به‌عنوان بخشی اساسی از راهکارهای اقلیمی، اهمیت ویژه‌ای یافته است.

۲. روش

این پژوهش با رویکردی مروری و تحلیلی انجام گرفته است. در این راستا، با بررسی عمیق ادبیات علمی، مقالات معتبرِ داوری‌شده و گزارش‌های نهادهای بین‌المللی، مبانی نظری و ابعاد کاربردی چارچوب‌های حسابداری سبز مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

حسابداری سبز به‌عنوان یک رویکرد نوین در حوزه حسابداری، به‌سرعت به یکی از ارکان اصلی در راستای تحقق توسعه پایدار تبدیل‌شده است. این رویکرد به سازمان‌ها کمک می‌کند تا تأثیرات زیست‌محیطی فعالیت‌های اقتصادی خود را شناسایی، ارزیابی و گزارش‌دهی کنند. در دنیای امروز که چالش‌های زیست‌محیطی مانند تغییرات اقلیمی، آلودگی و کاهش منابع طبیعی به‌شدت در حال افزایش است، ضرورت پذیرش حسابداری سبز بیش‌ازپیش احساس می‌شود. این رویکرد نه‌تنها به سازمان‌ها کمک می‌کند تا در قبال

1 Okafor
2 Bebbington
3 Stern
4 IPCC

اثرات منفی خود بر محیط‌زیست مسئولیت‌پذیرتر باشند، بلکه به بهبود شفافیت و اعتبار سازمان‌ها در میان ذی‌نفعان نیز کمک می‌کند.

یکی از مزایای بارز حسابداری سبز، امکان ایجاد یک چارچوب برای ارزیابی و گزارش‌دهی تأثیرات زیست‌محیطی سازمان‌ها است. این گزارش‌ها به ذی‌نفعان مانند سرمایه‌گذاران، مشتریان و جامعه اطلاعات دقیقی درباره نحوه مدیریت منابع و اثرات زیست‌محیطی فعالیت‌ها می‌دهند. باتوجه‌به اینکه سرمایه‌گذاران و مشتریان به طور فزاینده‌ای به دنبال اطلاعات در مورد پایداری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها هستند، سازمان‌هایی که به اصول حسابداری سبز پایبندند، می‌توانند اعتماد بیشتری را جلب کنند و درنتیجه به تقویت روابط خود با ذی‌نفعان بپردازند.

حسابداری سبز همچنین به سازمان‌ها این امکان را می‌دهد که هزینه‌های زیست‌محیطی خود را شناسایی و مدیریت کنند. با شناسایی و کنترل این هزینه‌ها، سازمان‌ها می‌توانند به کاهش ضایعات و بهینه‌سازی منابع بپردازند. برای مثال، با به‌کارگیری فناوری‌های نوین و روش‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی، شرکت‌ها می‌توانند هزینه‌های انرژی را کاهش دهند و به بهره‌وری بیشتری دست یابند. این کار نه‌تنها به نفع محیط‌زیست است؛ بلکه به افزایش سودآوری و مزیت رقابتی سازمان‌ها نیز منجر می‌شود.

افزون بر این، حسابداری سبز به‌عنوان یک ابزار راهبردی می‌تواند به ایجاد تمایز رقابتی برای سازمان‌ها کمک کند. در بازارهای کنونی که رقابت به‌شدت افزایش‌یافته است، مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران به دنبال شرکت‌هایی هستند که به پایداری و مسئولیت اجتماعی اهمیت می‌دهند. این امر موجب می‌شود که سازمان‌ها با پیاده‌سازی حسابداری سبز و ارائه اطلاعات شفاف درباره تأثیرات زیست‌محیطی خود، در جذب مشتریان و سرمایه‌گذاران موفق‌تر عمل کنند.

علاوه برآن، تأثیر حسابداری سبز بر جامعه و محیط‌زیست نیز غیرقابل‌انکار است. با اتخاذ رویکردهای پایدار، سازمان‌ها می‌توانند در کاهش آلودگی، حفظ منابع طبیعی و بهبود کیفیت زندگی در جوامع مشارکت داشته باشند. این شرکت‌ها با ایجاد برنامه‌های

اجتماعی و محیط‌زیستی، به توسعه پایدار جامعه کمک می‌کنند و نقش مؤثری در بهبود شرایط زندگی افراد ایفا می‌نمایند.

درنهایت، می‌توان گفت که حسابداری سبز نه‌تنها به بهبود عملکرد مالی و اقتصادی سازمان‌ها کمک می‌کند، بلکه به‌عنوان یک ابزار کلیدی در راستای توسعه پایدار عمل می‌کند. این رویکرد با فراهم‌کردن بستر مناسب برای مدیریت منابع، کاهش تأثیرات زیست‌محیطی و ایجاد ارزش‌های اجتماعی، به سمت آینده‌ای سبزتر و پایدارتر حرکت می‌کند. به‌این‌ترتیب، حسابداری سبز نه‌تنها به نفع سازمان‌ها، بلکه به نفع جامعه و محیط‌زیست نیز خواهد بود و می‌تواند به تحقق اهداف جهانی درزمینهٔ توسعه پایدار کمک کند؛ بنابراین در ادامه به ارائه پیشنهادهای مربوط در این راستا پرداخته می‌شود.

الف) ایجاد استانداردهای مشخص برای حسابداری سبز به سازمان‌ها کمک می‌کند تا تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی خود را به طور دقیق اندازه‌گیری و گزارش‌دهی کنند. این استانداردها می‌توانند شامل روش‌ها و معیارهای خاص برای اندازه‌گیری مصرف انرژی، تولید زباله و تأثیرات اجتماعی فعالیت‌ها باشند.

ب) برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های آگاهی‌بخشی در مورد حسابداری سبز برای کارکنان و مدیران سازمان‌ها می‌تواند به ترویج این رویکرد کمک کند. آموزش‌های مستمر درزمینهٔ بهترین شیوه‌ها و ابزارهای حسابداری سبز به افزایش دانش و مهارت‌های کارکنان کمک می‌کند.

پ) برقراری همکاری‌ها و مشارکت‌های بین‌المللی میان کشورها و سازمان‌ها درزمینهٔ حسابداری سبز می‌تواند تبادل تجربیات و بهترین شیوه‌ها را تسهیل کند. این همکاری‌ها می‌توانند به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات و منابع و همچنین ارتقای سطح آگاهی در مورد اهمیت حسابداری سبز کمک کنند.

ت) سرمایه‌گذاری در تحقیقات مرتبط با حسابداری سبز و تأثیرات آن بر عملکرد اقتصادی و زیست‌محیطی سازمان‌ها، می‌تواند شواهد علمی بیشتری را برای پشتیبانی از این رویکرد فراهم کند. این تحقیقات می‌توانند به شناسایی روش‌های بهینه برای پیاده‌سازی حسابداری

سبز و ارزیابی اثرات آن کمک کنند.

ج) دولت‌ها می‌توانند با ایجاد مشوق‌های مالی و معافیت‌های مالیاتی برای شرکت‌هایی که به حسابداری سبز پایبند هستند، آن‌ها را تشویق کنند تا این رویکرد را به کار ببرند. این سیاست‌ها می‌توانند شامل تخصیص منابع مالی برای پروژه‌های سبز و حمایت از نوآوری در این حوزه باشند.

چ) استفاده از فناوری‌های نوین و سامانه‌های اطلاعاتی پیشرفته در پیاده‌سازی حسابداری سبز می‌تواند به افزایش دقت و کارایی فرایندهای حسابداری کمک کند. به‌کارگیری نرم‌افزارها و ابزارهای تحلیل داده می‌تواند به سازمان‌ها در شناسایی و کاهش تأثیرات منفی فعالیت‌های اقتصادی خود کمک کند. سازمان‌ها باید با ایجاد گزارش‌های شفاف و قابل‌اعتماد در مورد تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی خود، به جلب‌اعتماد ذی‌نفعان بپردازند. این گزارش‌ها باید به طور دوره‌ای منتشر شوند و شامل اطلاعات دقیقی در مورد عملکرد زیست‌محیطی سازمان باشند.

ح) پیاده‌سازی نظام‌های ارزیابی عملکرد که به طور خاص بر اساس معیارهای زیست‌محیطی و اجتماعی طراحی‌شده‌اند، می‌توانند به سازمان‌ها کمک کند تا تأثیرات فعالیت‌های خود را به طور مؤثری بررسی و بهبود بخشند. این نظام‌ها باید شامل معیارهای سنجش کیفیت زندگی، مصرف منابع و اثرات اجتماعی باشند. با پیاده‌سازی این پیشنهادها، حسابداری سبز می‌تواند به‌عنوان یک ابزار کلیدی در راستای توسعه پایدار، به سازمان‌ها کمک کند تا ضمن بهبود عملکرد اقتصادی خود، به مسئولیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی خود نیز توجه بیشتری داشته باشند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

سپاسگزاری

نویسنده از حمایت و همکاری معنوی سردبیر محترم، داوران ناشناس و ناشران فصلنامه

اقتصاد محیط‌زیست و منابع طبیعی کمال تشکر را دارد. همچنین از زحمات ویراستاران علمی و ادبی نشریه قدردانی و تقدیر می‌شود.

اظهارنامه استفاده از هوش مصنوعی

در فرایند تدوین این مقاله، از ابزارهای هوش مصنوعی صرفاً برای ویرایش زبانی و بهبود نگارشی متن استفاده شده است. مسئولیت صحت، اصالت و محتوای علمی مقاله بر عهده نویسندگان است.

ORCID

Fatemeh Ansari **https://orcid.org/0009-0001-8723-0943**

Ali Laalbar **https://orcid.org/0000-0002-8997-3575**

منابع

حسینی، مریم‌السادات و لعلبار، علی. (۱۴۰۴). نقش دوگانهٔ هوش مصنوعی در سبزشویی شرکتی (مرور ادبیات و مسیرهای پژوهشی آینده). *فصلنامه اقتصاد محیط‌زیست و منابع طبیعی*، ۵(۱۲)، ۸۹-۱۲۲.

رجبی‌پور میبدی، علیرضا، احمدی زهرانی، مریم و صائبی، محمد. (۱۴۰۴). تأثیر مالی سبز و مسئولیت اجتماعی شرکت بر عملکرد زیست‌محیطی با میانجی‌گری نوآوری سبز. *فصلنامه اقتصاد محیط‌زیست و منابع طبیعی*، ۵ (۱۱)، ۶۳-۹۴.

میردار، عباسعلی، فرامرزی، علی، کرامتلو، علی و صفایی، حسین. (۱۴۰۴). مفاهیم و کارکردهای حسابداری سبز (زیست‌محیطی) در توسعه شهری. *نشریه مطالعات مدیریت و حسابداری*، ۱۱(۱)، ۱۷-۶.

References

Agyekum, A. A. B., & Singh, R. P. (2024). How technology is changing accounting processes: Institutional theory and legitimacy theory perspective. *Journal of Accounting and Finance, 18*(7).

Bennett, M., & James, P. (1999). Environmental management accounting: A review. *Journal of Environmental Management,* 57(2), 111–125.

Bebbington, J., & Larrinaga, C. (2014). Accounting and sustainable development: An exploration. *Accounting, Organizations and Society*, 39(6), 395–413.

Darnall, N., Henriques, I., & Sadorsky, P. (2010). Adopting proactive environmental strategy: The influence of stakeholders and firm size. *Journal of Management Studies*, 47(6), 1072–1094.

Deegan, C. (2002).The legitimising effect of social and environmental disclosures: A theoretical foundation. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 15(3), 282–311.

De Villiers, C., & Alexander, D. (2014). The institutionalisation of corporate social responsibility reporting. *The British Accounting Review*, 46(2), 198–212.

DiMaggio, P. J., & Powell, W. W. (1983). The iron cage revisited: Institutional isomorphism and collective rationality in organizational fields. *American Sociological Review*, 48(2), 147–160.

Elkington, J. (1997). *Cannibals with forks: The triple bottom line of 21st century business*. Capstone.

Freeman, R. E., Harrison, J. S., Wicks, A. C., Parmar, B. L., & De Colle, S. (2010). *Stakeholder theory: The state of the art*. Cambridge University Press.

Freeman, R. E. (1984). *Strategic management: A stakeholder approach.* Boston, MA: Pitman.

Gray, R. (2010). Is accounting for sustainability actually accounting for sustainability and how would we know? An exploration of narratives of organisations and the planet. *Accounting, Organizations and Society*, 35(1), 47–62.

Jasch, C. (2003). The use of environmental management accounting (EMA) for identifying environmental costs. *Journal of Cleaner Production*, 11(6), 667–676.

Lamberton, G. (2018). *Sustainability Accounting and Integrated Reporting*. In The Palgrave Handbook of Corporate Social Responsibility. Palgrave Macmillan.

Meyer, J. W., & Rowan, B. (1977). Institutionalized organizations: Formal structure as myth and ceremony. *American Journal of Sociology*, 83(2), 340–363.

Nguyen, T. H. (2022). Factors affecting the implementation of environmental management accounting: A case study of pulp and paper manufacturing enterprises in Vietnam. *Cogent Business & Management*, 9(1), 2141089.

Okafor, T. G. (2018). Environmental Costs Accounting and Reporting on Firm Financial Performance: A Survey of Quoted Nigerian Oil Companies. *International Journal of Finance and Accounting*, 7(1), 1–6.

Ratmono, D., Mail, R., Cahyonowati, N., & Janie, D. N. A. (2024). The role of environmental performance in mediating the relationship between green accounting and corporate social responsibility. *Environmental Economics*, 15(1), 46–55.

Schaltegger, S., & Burritt, R. L. (2010). *Contemporary environmental accounting: Issues, concepts and practice*. Greenleaf Publishing.

Solovida, G. T., & Latan, H. (2017). Linking environmental strategy to environmental performance: Mediation role of environmental management accounting. *Sustainability Accounting, Management and Policy Journal*, 8(5), 595–617.

Schaltegger, S., & Wagner, M. (2006). *Managing the business case for sustainability: The integration of social, environmental and economic performance*. Greenleaf Publishing

Stern, N. (2007). The economics of climate change: The Stern review. Cambridge University Press.

استناد به این مقاله: لعل بار، علی و انصاری، فاطمه. (۱۴۰۵). مروری بر نقش حسابداری سبز در توسعهٔ پایدار. (e21173). فصلنامه اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی، *فصلنامه اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی*، ۶(۱۵)، صفحات ۱۳۳-۱۱۵. DOI: 10.22054/eenr.2026.92269.228

Journal of Environmental and Natural Resource Economics licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.